



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introducing the manuscript of Soleimannameh and examining its features

L. Siyahatgar, F. Mozaffarian*, A. Tahan

Department of Persian Language and Literature, Firoozabad Branch, Islamic Azad University, Firoozabad, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 12 July 2020

Reviewed: 15 August 2020

Revised: 31 August 2020

Accepted: 16 October 2020

KEYWORDS

Manuscript, Suleimannameh, Yusuf Ibn Siraj, Correction, Stylistic features, Banilsaiah

*Corresponding Author

✉ f.mozaffarian@iauf.ac.ir

☎ (+98 71) 38729701-336

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: A unique manuscript of Suleimannameh in the form of Masnavi and the convergent sea, by Yusuf ibn Siraj ibn Muhammad, nicknamed the teacher in 1339. It was composed in 8352 bits and written in Naskh script. The name of this anonymous poet does not appear in any literary memoir. This Masnavi is a religious epic that tells the stories of the prophets of the nation of Banilsaiah, including Soliman, Elias, Elisha, Jeremiah, Dhu'l-Kufl, Yones, and Daniel. The present article introduces the manuscript of this epic-educational system. The main question of the research is what literary, linguistic, cultural, moral, social, and religious components are in this version and what information can be obtained from the author's time? This article also examines the stylistic and aesthetic features of the version, and since this version is unique, the recording of distorted verses has been done on the basis of stylistic symmetries and, of course, with the preservation of fidelity.

METHODOLOGY: The research method in this article is descriptive-analytical and the data collection method is documentary (library).

FINDINGS: The manuscript of Suleiman the Magnificent was written in the convergent sea of the deleted Muthanna and tells the stories of the prophets of Israel. The poet does not have a stylistic personality in the order of these stories, but examples of Khorasani style are evident in this poem. In this Masnavi, for the first time, the stories of the prophets of Israel are arranged; The stories that are still scattered in the books of commentaries on the Qur'an, the stories of the prophets, the chronicles and the stories of the prophets of the Torah, and many of them are unfamiliar to Muslim readers.

CONCLUSION: In this poem, there is no mention of the city in which the poet lived, and the place of the poem can not be found in the text of the story, but the use of some words indicates the specific dialect of the region; As in Neishabour, such conversations are common. Regarding the stylistic and lexical features of the text, it should be said that all the mentioned features, except for two cases, including the use of the verbs "Danstmani" and "Avrdman" and the observance of the rule of signifier, which is related to the sixth and seventh centuries, The fourth and fifth are especially Shahnameh.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5357](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5357)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 1	 1

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

معرفی نسخه خطی سلیمان‌نامه و بررسی ویژگی‌های آن

لیلا سیاحتگر، فرزانه مظفریان*، احمد طحان

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: نسخه خطی و منحصربه‌فرد سلیمان‌نامه در قالب مثنوی و بحر متقارب، توسط یوسف‌بن سراج‌بن محمد ملقب به معلم در سال ۷۳۹ ه. ق. در ۸۳۵۲ بیت سروده و به خط نسخ تحریر شده است. نام این شاعر گمنام در هیچ تذکره و تاریخ ادبیاتی دیده نمی‌شود. مثنوی مذکور حماسه‌ای دینی است که داستانهای انبیاء قوم بنی‌اسرائیل، از جمله سلیمان، الیاس، الیسع، ارمیا، اشعیا، ذوالکفل، یونس، و دانیال را بیان میکند. نوشتار حاضر به معرفی نسخه خطی این منظومه حماسی - تعلیمی می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش اینست که چه مؤلفه‌های ادبی، زبانی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، و مذهبی در این نسخه وجود دارد و به چه اطلاعاتی از عصر نویسنده، دست‌میتوان یافت؟ این مقاله ویژگی‌های سبکی و زیبایی‌شناسی نسخه را نیز بررسی میکند و از آنجاکه این نسخه منحصربه‌فرد است، ضبط ابیات مخدوش بر اساس قرینه‌های سبک‌شناسانه و البته با حفظ امانت انجام گرفته است.

روش مطالعه: روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی (کتابخانه‌ای) است.

تاریخ دریافت: ۲۲ تیر ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۲۵ مرداد ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۱۰ شهریور ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۲۵ مهر ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، سلیمان‌نامه، یوسف‌بن سراج، تصحیح، ویژگی‌های سبکی، بنی اسرائیل

* نویسنده مسئول:

f.mozafarian@iauf.ac.ir

۳۸۷۲۹۷۰۱-۳۳۶ (+۹۸ ۷۱)

یافته‌ها: نسخه خطی سلیمان‌نامه در بحر متقارب مثنی محذوف سروده شده است و داستانهایی از پیامبران بنی اسرائیل را بیان میدارد. شاعر در نظم این داستانها از تشخیص سبکی برخوردار نیست، اما نمونه‌های سبک خراسانی در این منظومه مشهود است. در این مثنوی برای اولین بار داستانهای انبیاء بنی اسرائیل به نظم کشیده شده است؛ داستانهایی که تا کنون در کتب تفاسیر قرآن، قصص‌الانبیاء، تواریخ و داستانهای پیامبران تورات بطور پراکنده دیده میشود و بسیاری از آنها برای خوانندگان مسلمان ناآشناست.

نتیجه‌گیری: در این منظومه سخن از شهری که شاعر در آن زندگی میکرد، نیامده و از متن داستان، مکان سرودن منظومه را نمیتوان یافت، اما کاربرد برخی واژه‌ها بیانگر لهجه خاص منطقه است؛ آنچنانکه در نیشابور اینگونه محاورات رایج است. در ارتباط با ویژگی‌های سبکی و واژگانی متن نیز باید گفت که تمام ویژگی‌های ذکرشده به استثنای دو مورد از جمله استعمال افعال «دانستمایی» و «آوردن» و رعایت قاعده دال و ذال، که به قرن ششم و هفتم مربوط میشود، یادآور سبک متون قرن چهارم و پنجم بویژه شاهنامه است.

مقدمه

ادبیات هر دوره آیینۀ تمام‌نمای هویت فرهنگی، دینی و سیاسی هر ملت است. از اینرو جهت آگاهی از هویت ملی و قومی لازم است در آثار مکتوب پیشینیان تأمل شود. نسخ خطی موجود در کتابخانه‌ها از این نوع آثارند. بنابراین گنجینه‌هایی بالارزش شمرده میشوند و جهت آگاهی از محتوای آنها تصحیح و معرفی‌شان ضروری است. «هدف و غایت نقد و تصحیح متون ادبی آنست که از روی نسخ خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصل یک اثر را احیا و مدون کنند و آن را بصورتی عرضه دارند که خواننده بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگر اصل یک اثر را در دست ندارد، نسخه‌ای از آن را دارد که بصورت اصلی و شکلی که مصنف و مؤلف اصل نوشته است به نهایت درجه نزدیک است» (روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی، زرین کوب: ص ۴۶). تصحیح نسخ خطی با رعایت حفظ امانت امری دشوار است و در واقع تصحیح متون به معنای مانده کردن و نزدیک نمودن متن به صورتهایی است که از خامۀ مؤلف چکیده است (تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح نسخه‌های خطی، میل هرروی: ص ۲۴۴). بازسازی متون کهن راهی دشوار است؛ بویژه زمانی که از متن یک نسخه موجود است و مصحح ناچار است با حفظ امانت به احیای متن بپردازد.

نوشتار حاضر به معرفی نسخه خطی منظومۀ حماسی - تعلیمی سلیمان‌نامه از شاعری گمنام به نام یوسف‌بن سراج‌بن محمد معلم می‌پردازد. با بررسی این نسخه می‌خواهیم بدانیم چه مؤلفه‌های ادبی، زبانی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، و مذهبی در این نسخه وجود دارد و به چه اطلاعاتی از عصر نویسنده دست می‌یابیم؟ در هیچ تذکره‌ای از نویسنده نام و نشانی نیست و این نسخه تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است. روش تصحیح، قیاسی است. این مقاله، ویژگیهای سبکی و زیبایی‌شناسی نسخه را نیز بررسی میکند و از آنجاکه این نسخه منحصر بفرد است، ضبط ابیات مخدوش براساس قرینه‌های سبک‌شناسانه و البته با حفظ امانت انجام گرفته است.

بحث و بررسی

معرفی شاعر و زمان سرایش منظومه

شاعر مثنوی سلیمان‌نامه، در ضمن داستان گاهی از خود نام برده، خویشتن را مخاطب قرار میدهد. در انجام کتاب، متن عربی است. «مُذْنِب، خاطی و الراجی المَحْتَاج الی رَحْمَةِ رَبِّهِ الْغَفُور» نشان میدهد احتمالاً شاعر و کاتب یکی است و پس از درود بر پیامبر اکرم (ص) نام کامل خود را عنوان میکند و در ادامه مینویسد: «وَقَعَ الْفَرَاغُ تَحْرِیراً فِی یَوْمِ الْاِخْدِ تَاسِعَ عَشَرَ شَهْرِ اللَّهِ الْمُبَارَكِ رَجَبِ الْعَجَبِ عَمَتِ مِیَامِنَهُ سَنَةِ تِسْعَ ثَلَاثِینَ سَبْعِمِیَاه» (نسخه خطی سلیمان‌نامه، یوسف معلم، ص ۳۴۷). بنابراین تاریخ تحریر کتاب یکشنبه نوزدهم رجب سال ۷۳۹ هجری است.

او از آغاز تا پایان داستان از زادگاه و زندگیش سخنی نمیگوید، فقط در یک بیت از سالخوردگی خود شکایت میکند:

کنون من درین سالهای دراز
بماندم درین رنج و درد و گداز
(همان: ص ۲۴۲)

شاعر منظومه متدین به دین اسلام و اهل تسنن است. او در آغاز کتاب پس از نعت پیامبر اکرم (ص) چهار یار ایشان را مدح میکند و پس از نعت خلفای راشدین، مدح سلطان آغاز میشود. ظاهراً سلطان منطقه، شخصی بوده است به نام کاووس که او را از کیکاووس شاهنامه فردوسی فراتر میداند:

من از حق‌شناسی و از منصفی
سلیمان خود را کنم آصفی

سلیمان من کیست؟ شاه جهان جوانبخت سلطان سلطان[ن] نشان...
 شه ارچه به نام است کاوس کی کجا تا کجا و ز کی تا به کی
 ورا هر غلامی چو کاووس شد کجا زاغ مانند طاووس شد

(همان: ص ۳)

به گفته شاعر اصل و نسب این پادشاه به شخصی به نام امیرداوود میرسد که در غربت از دنیا می‌رود:
 به حکم و به تقدیر رب ودود نبشتم تمام و بکردم سجود
 زبهر خداوند نیکو و جود به اصل و نسب نام امیر داوود
 که او را پدر بود[یاری] تمام دهد رحمتش هم خدای انام

(همان: ص ۳۴۸)

معرفی نسخه

اصل نسخه در کتابخانه یاشار ترکیه به شماره 3932 و پوشه تصویری آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و 350 صفحه 20×10 سانتیمتری در قطع وزیری و هر صفحه 23 الی 25 بیت دارد و شامل 8352 بیت است. در بسیاری از ابیات ریختگی و خدشه‌هایی دیده می‌شود و برخی صفحات از رکابه‌نویسی^۱ برخوردار است. در بعضی موارد می‌بینیم که کاتب، کلمه‌ای را غلط مینویسد سپس وجه درست کلمه در حاشیه با رمز «صح» نشان داده می‌شود. بنظر میرسد کاتب یا شاعر، دستنوشته خود را بازخوانی و یا با نسخه منقول عنه مقابله می‌کرده است. شاید هم این تصحیح بعدها بوسیله کسی دیگر انجام شده باشد. در آخر نیز شاعر در ابیاتی بسیار مخدوش از ممدوح تقاضای خلعت میکند و میگوید مجلد سوم را به دست شخصی به نام محمد عطار به خدمت ممدوح می‌فرستد. در حاشیه این صفحه ابیاتی آمده که کاملاً ناخواناست. ابیات آغازین نسخه گویای آنست که این منظومه جلد سوم از سلیمان نامه بوده و ظاهراً جلد دوم مربوط به زندگی داوود بوده و از محتوای جلد اول سخنی گفته نمی‌شود.

وجود قید تکرار «باز» در اولین بیت منظومه نشانگر آغاز مجدد کتاب و ادامه مطلب پیشین است.
 بیا باز ای مرد بسیارهوش اگر داشت خواهی به گفتار گوش
 (سلیمان‌نامه: ص ۱)

شاعر در ادامه تصریح میکند که نسخه حاضر جلد سوم است.

^۱-در اصطلاح نسخه‌نویسی اولین کلمه از نخستین سطر صفحه سمت چپ را که در زیر آخرین سطر از صفحه سمت راست نوشته می‌شود، رکابه می‌گویند. (تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح نسخه‌های خطی، مایل هروی: ص ۱۳۱)

مجلد سوم شد وز آغاز گفت
که پیدا شوذ داستان از نهفت
(همان: ص ۳)

او در چند بیت بعد میگوید که پیش ازین از زندگی داوود نبی سخن گفته است (همان: ص ۴). محتوای نسخه موضوع منظومه، داستانهایی از زندگی پیامبران بنی اسرائیل است که با سلیمان آغاز میشود. افزون بر سلیمان دیگر پیامبران قوم یهود از جمله: الیاس، الیسع، ذی الکفل، یونس، اینا، شعیا^۱ که در عهد عتیق بصورت اشعیا آمده است (کتاب مقدس: ص ۷۸۳). بطور کلی محتوای کتاب را میتوان در این جدول ذکر کرد.

ردیف	فهرست عناوین	شماره ابیات
۱	به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر	۵۶-۱
۲	در مدح سلطان عالم خلد الله سلطانه	۷۸-۵۷
۳	قصه سلیمان پیغمبر علیه السلام	۲۲۰-۷۹
۴	قصه قضا و قدر نزد سلیمان علیه السلام	۸۴۵-۲۲۱
۵	قصه شاه مورچگان به حضرت سلیمان علیه السلام	۹۸۵-۸۴۶
۶	خبر دادن هدهد آیین پادشاهی بلقیس را به حضرت سلیمان علیه السلام	۱۱۱۲-۹۸۶
۷	قصه بلقیس از اصل و نژادش که کجاست؟	۱۳۱۹-۱۱۱۳
۸	آوردن هدهد نامه سلیمان پیغامبر علیه السلام	۱۶۵۶-۱۳۲۰
۹	بزرگ منشی کردن سلیمان پیغامبر علیه السلام	۱۷۸۰-۱۶۵۷
۱۰	داستان سبب آن که جبریل علیه السلام چهل روز تمام وحی نیاورد و از تخت شاهی جدا شد.	۱۹۹۹-۱۷۸۱
۱۱	داستان دزدیدن انگشتری سلیمان پیغامبر را اصطخر جی دیو و بر تخت نشستن و در آخر انگشتری را در دریا انداختن	۲۱۴۱-۲۰۰۰
۱۲	داستان سلیمان علیه السلام یافتن انگشتری را و باز به پادشاهی خود رسیدن	۲۲۴۷-۲۱۴۲
۱۳	آوردن اصطخر جی دیو را به حضرت سلیمان علیه السلام	۲۲۷۵-۲۲۴۸
۱۴	طلب داشتن سلیمان پیغمبر علیه السلام که به عمرش چه مانده است؟	۲۳۴۳-۲۲۷۵
۱۵	سبب آن که مقدار هزار اسب تازی را به یک روز صدقه دادن و بخشیدن به یک وقت نماز فوت شدن را	۲۳۹۷-۲۳۴۳

۱. این تلفظ موافق با تفسیر کشف الاسرار است: «به شعیا وحی آمد از حق که حزقیای ملک را گو تا پیغامبری قوی امین به آن لشکر بیگانه فرستد تا من در دل ایشان افکنم که بنی اسرائیل را که گرفته اند ... رها کنند و باز فرستند» (کشف الاسرار، ج ۸: ص ۲۲۹)

۲۹۷۳-۲۳۹۸	۱۶	اثر کردن پیری بر سلیمان پیغامبر علیه‌السلام و به عمارت بیت-المقدس مشغول بودن.
۴۴۰۷-۲۹۷۴	۱۷	قصه الیاس و الیسع و ذی‌الکفل علیهم‌السلام
۶۰۴۴-۴۴۰۸	۱۸	دیدن زاهدی الیاس پیغامبر علیه‌السلام و سؤال و جوابشان با هم
۶۵۵۲-۶۰۴۵	۱۹	حکایت
۶۹۳۱-۶۵۵۳	۲۰	قصه ارمیا علیه‌السلام و خروج بخت‌نصر
۷۲۷۰-۶۹۳۲	۲۱	قصه بخت‌نصر
۸۲۴۷-۷۲۷۱	۲۲	قصه دانیال پیغمبر علیه‌السلام
۸۲۹۰-۸۲۴۸	۲۳	انجام کتاب
۸۳۳۴-۸۲۹۱	۲۴	ختم بر دعای سلطان عالم خَلَدَ اللَّهُ مُلْكُهُ
۸۳۵۲-۸۳۳۵	۲۵	شرح یادآوری املاک

شاعر غالباً از ذکر منبع داستانها خودداری میکند، اما در آغاز داستان عزیر نبی از «راستان» بعنوان منبع گفته-هایش یاد میکند.

بگوییم باز این زمان داستان
ز حال وی از گفته‌ راسـتان
(سلیمان‌نامه: ص ۳۳۱)

در داستان یونس نبی نیز از «ناماوران» سخن میگوید:

روایت شنیدم ز ناماوران
که هست اتفاق امامان در آن
(همان: ص ۲۴۰)

و در داستانی دیگر از فرزندگان نخست یاد میکند:

ورا نام سامور خوانم درست
ز گفتار فرزندگان نخست
(همان: ص ۲۶۴)

در جایی دیگر از ماجراهایی میگوید که در کتب قصص خوانده است و میگوید آن را در ضمن سالها به نظم کشیده است.

ازینسان که اندر قصص خوانده‌ام
به نظمش گهرها برافشانده‌ام
(همان: ص ۲۴۱)

ز کتب قصص نه ز مجهول جای
که بستن نشاید در او هوش و رای
(همان: ص ۲۷۳)

در چند مورد نیز از کتابهای تفسیر و کتب اسرائیلیان یاد میکند:

به تفسیر و کتب سراییلیان
چنین خوانده‌ام من ز کتب جهان
(همان: ص ۲۷۲)

ز اصحاب تفسیر و اخبار پاک
چنان خواندم از لفظ و گفتار پاک
(همان: ص ۳۲۳)

بنابراین راوی جهت روایت داستانها از دو نوع منبع استفاده کرده است. منابع شفاهی که همان فرزندان، راستان و ناموران بوده‌اند و منابع کتبی که کتب تفسیر قرآن و قصص الانبیا بوده است و ظاهراً کتبی از قوم یهود نیز در دست داشته که از آنها نام نبرده است. داستانهای این منظومه را میتوان با تغییراتی در تاریخ بلعی، قصص-الانبیا و تفاسیر قرآن از جمله تفسیر طبری، روض الجنان و کشف الاسرار دید و برخی دیگر نیز در کتاب «یامبران نویثیم» که کتاب دوم از کتب مقدس یهودیان مشهور به «تَنخ»^۱ است، دیده میشود.

ویژگیهای ظاهری و ساختاری نسخه

ویژگیهای سبکی نسخه: در این متن ویژگیهای سبک خراسانی بسیار بچشم میخورد.

ویژگیهای مربوط به فعل

تقدم «می» بر پیشوند فعل

چو می برنیامد به عصیان جنگ
بیازید زی حیل و مکر چنگ
(همان: ص ۵۴)

آوردن حرف «ب» بر سر فعل ماضی: محمدتقی بهار معتقد است که افزودن این حرف، جهت تأکید است و آن را بای تأکید مینامد و از ویژگیهای متن قرن چهارم و پنجم است (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۳۳۳).
بپرسید از جبریل آن زمان
که فرمان حق را فدا باد جان
(سلیمان نامه: ص ۱۰۱)

قرار گرفتن بای تأکید قبل از نون نفی نیز که از ویژگیهای سبک خراسانی است (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۳۳۱) در این نسخه به فراوانی دیده میشود:

ز کشورش بیرون بنگذاشتند
به کام و به ناکام میداشتند
(سلیمان نامه: ص ۳۲۷)

گفتنی است در چنین مواردی کاتب حرف «ب» را با ضمه می‌آورد و با توجه به تکرار این موضوع مشخصاً شاعر که ظاهراً کاتب نیز هست، اصرار در نشان دادن این نوع تلفظ داشته است:
ازین بارتان هیچ عذری نماند
باید کنون سوی بلقیس راند
(همان: ص ۶۹)

۱. یهودیان نام اختصاری "تَنخ" را برای مجموعه کتاب‌های متعدد کتاب مقدسشان بکار می‌برند. تَنخ از حروف ابتدایی "نورا"، "نویثم" و "کتوریم" گرفته شده است (باورها و آیینهای یهودی، آنترمن: ۱۷۱)

بکار بردن پیشوند «همی» بجای «می» استمراری:

همی درد فرزند شد بیشتر
بیفتاد بر حال مردن پسر
(همان: ص ۱۵۱)

استفاده از ضمیر متصل فاعلی

چو آمد بر افراز ایوان شاه
ز هر سوی ایوان بکردش نگاه
(همان: ص ۱۲)

بکار بردن «باء» استمرار در آخر فعل: در سبک خراسانی گاهی یای مجهول در آخر فعل بجای همی که در اول فعل علامت استمرار است، بکار می‌رود. (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۳۴۷)

چو دیدم چنین کارهای فضول
چگونه نخندیذمی ای رسول
(سلیمان‌نامه: ص ۱۱۴)

بکار بردن فعل «ماند» به معنای متعدی

سپه را سراسر همانجا بماند
خود آهسته تنها سوی شهر راند
(همان: ص ۱۰)

حذف شناسه به قرینه:

بفرمود کاو را بیارند زود
برفتند و آورد مانند دود
(همان: ص ۲۸۷)

دانستن به معنای توانستن:

به چندی توانی ز روم آمدن
وزین جایگه [چند] دانی شدن
(همان: ص ۱۷)

دانستمانی، بیاوردمانی و گشتمانی به معنای میدانستیم و می‌آوردیم و می‌گشتیم: شایان ذکر است که این نوع فعل در برخی متون قرن ششم و هفتم دیده شده است، از جمله در کشف‌الاسرار (ج ۱: ص ۱۵۰) و سمک عیار (ج ۱: ص ۱۱۶) و (همان: ص ۱۵۹).

اگر علم ما راه بردی درین
و یا چیز دانستمانی چنین
بیاوردمانی به جان و به دل
ز فرت کجا گشتمانی خجل
(همان: ص ۱۱۱)

ویژگیهای مربوط به حرف

بکار بردن «کجا» به معنای «که» موصول: این ویژگی در اشعار قرن چهارم از جمله رودکی و فردوسی بفروانی دیده می‌شود (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱: ص ۴۱۰).

کجا بندگی مر کسی را سزید
که آید ازو رنج و راحت پدید
(سلیمان‌نامه: ص ۱۷۷)

بکار بردن اندر بجای در: این ادات قبل و بعد از اسم می آیند البته از قرن هفتم به بعد در نثر تقریباً از بین میرود و در شعر هم تقریباً از قرن هفتم به بعد متروک میگردد، مگر بندرت و در اشعاری که از متقدمان تقلید شده باشد (سبک شناسی، بهار، ج: ۱، ص: ۴۰۱). این ویژگی در این متن بفراوانی دیده میشود.

جوانی بدید اندر آن خانه در
به بالین نهاده ز تیمار سر
(سلیمان نامه: ص ۱۷۲)

بکار بردن یک متمم با دو حرف اضافه (همان: ص ۱۵۲)؛ بکار بردن «ابا» به معنای «با» (همان: ص ۲۴۲)
بکار بردن حرف مر: معمولاً حرف مر بمنظور تأکید قبل از مفعول صریح می آید و شواهد آن در نظم و نثر فارسی سیار فراوان است (سبک خراسانی در شعر فارسی، محجوب: ص ۲۶۶) و در سلیمان نامه نیز کاربرد دارد (همان: ص ۲۴)

ویژگیهای مربوط به اسم

جمع بستن مجدد واژه ها: در این منظومه گاهی جمع الجمع هم دیده میشود و شاعر کلمات جمع فارسی و عربی را دوباره جمع بسته که این امر نیز بیشتر در سبک خراسانی مشاهده میشود:
- جمع مکسر عربی با علامت جمع فارسی می آید. لازم به ذکر است که این مورد بفراوانی در متن دیده میشود. واژه های کتبها و احوالها (همان: صص ۲۸۰ و ۳۲۲).
- صورتهای زیر فقط در یک مورد دیده میشود. کلمه عربی را دو بار جمع بسته است. عوام جمع اعوام که خود جمع عام به معنای سال است.

چنان تا که تا هفت سال تمام
گذر کرد دور شهر و عوام
(همان: ص ۱۴)

کلمه فارسی را دو بار جمع بسته است: دایگان: دایگانان
در آمد ز روی هوا ناگهان
بر آن دایگانان سیه شد هوا
(همان: ص ۱۳)

مطابقت موصوف و صفت (همان: ص ۳۴۲)
استعمال کلمات ممال
نهادند سلیحها یکسر به جای
سوی شهر هم برگرفتند پای
(همان: ص ۱۵۹)

بکار بردن آنچه بجای آنچه
هر آنچه او بخوردی بخوردی همان
شب و روز بنشسته در آشیان
(همان: ص ۱۴)

کاربرد متفاوت صامتها و مصوتها
- بکار بردن "ب" بجای "پ": بگاه بجای پگاه. (همان: ص ۱۸).
یادآوری مینماید که در برخی موارد هم در زیر حرف "پ" سه نقطه گذاشته شده که احتمالاً کار کاتبان متأخر است.

- استعمال "ج" بجای "چ": جندی بجای چندی (همان: ص ۱۷).
- استعمال "ک" بجای "گ": گذشت بجای گذشت (همانجا).
- واژه "تورات" بصورت الف مقصوره "توریت" نوشته میشود (همان: ص 326).

- واژه سلیمان گاهی اوقات بصورت الف مقصوره "سلیمَن" نوشته میشود (همان: ص 4).
- "نیشتن" بجای "نوشتن" (همان: ص ۳۴۰).
- برای حرف "الف" علامت مَدّ نمیگذارد: "آواز" بجای "آواز"، "آمدند" بجای "آمدند" (همان: ص 208).
- کسره اضافه بعد از "الف" بصورت "ء" مینویسد. البته این نکته فقط در یک مورد دیده شد (همان: ص 7).
- گاهی مصوتی بلند به مصوتی کوتاه تبدیل شده و گاهی نیز برعکس. در سبک خراسانی زیادند واژه‌هایی که در آنها مصوت کوتاه «ُ» به مصوت بلند «او» درمی‌آید مانند «گُفتن» که «گوفتن» میشود و گاهی لغاتی که مصوت بلند «او» دارند بصورت مصوت کوتاه «ُ» تلفظ میشوند. (تلفظ و تقطیع لغات در شعر خراسانی، مجد: ص ۱۴۶)

تبدیل مصوت بلند به کوتاه

تبدیل گریستند به گرسند (همان: ص ۲۹)

تبدیل بسوخت به بسُخت (همان: ص ۲۶۷).

-تبدیل مصوت "آ" به "ای":

- تبدیل "نبی" با مصوت بلند "ای" به مصوت بلند "آ":

چراغ بهشت است و نور هُدی خدایش ستوده میان بُبی
(همان: ص ۲)

نبی، نوی، نپی: به ضم اول و ثانی به تحتانی کشیده، کلام خدا و قرآن و مصحف باشد (برهان قاطع، ذیل واژه نبی).

- در این منظومه قاعده جدایی و استقلال دال و ذال رعایت میشود و آنها را هم‌قافیه نمیکند.^۱ لازم به ذکر است که رعایت قاعده ذال فارسی مربوط به قرنهای ششم تا نهم است (رسم‌الخط فارسی، متینی: ص 158).

دل ماذر از گفت الیاس شاذ ببودی پی یونس پاکزاد
(همان: ص ۱۳۶)

نه فقط در کلمات قافیه بلکه در تمام موارد، تفاوت دال و ذال رعایت میشود.

ببردیم او را به خدمت نماز نمودیم او را هزاران نواز
(همان: ص ۱۴۴)

-در این مثنوی - و البته تنها در مورد کلمه "وزان"، صامت "و" به "ب" تبدیل شده است:

^۱ این صامت در فارسی دری صورت تغییرشکل یافته صامت دندانی بی‌آوا (ت) است که به صامت دندانی آوایی (د) بدل شده است. این ابدال در فارسی دری در مواردی انجام گرفته که پیش از آن مصوتی قرار داشته است. خواجه نصیر طوسی نیز در بیان قاعده تشخیص دال و ذال قطعه ذیل را آورده است. این که در آغاز قرن هفتم شمس قیس رازی و خواجه نصیر برای تشخیص این دو صامت محتاج به ذکر یا وضع قاعده شده‌اند، خود دلیل این است که درین زمان دیگر در زبان زنده و جاری این تفاوت مشهود نبوده است (دستور تاریخی زبان فارسی، خانلری، ج ۲: ص ۵۰)

آنان که به فارسی سخن میرانند در معروض دال ذال را ننشاندند
ماقبل وی ار ساکن جز "وای" بود دال است وگرنه ذال معجم خوانند
(همان)

سلیمان چو بشنید شادان بیوَد
همانگه به باد بزان گفت زوَد
(همان: ص ۸۰)

کاربرد واژه‌های کهن

"هشتن" به معنای "رها کردن" (همان: ص ۱۶۴)

"یاره" به معنای "جرات" (همان: ص ۱۶۵)

"شد" به معنای "رفت" (همان: ص ۱۷)

ترسکار به معنی ترسنده (همان: ص ۲۵۷)

بکار بردن کلمه "خوار" به معنای اصلی آن مقابل "دشخوار" (همان: ص ۴)

بکار بردن "سگالیدن" به معنای مطلق "اندیشیدن" (همان: ص ۹۴)

"نماز بردن" به معنای "سجود کردن" و "احترام گذاشتن" (همان: ص ۷۱)

غراب استعمل: گاهی برخی از واژه‌ها در معنایی بکار رفته‌اند که به این معنا در لغت‌نامه‌ها دیده نمی‌شود:

"سپنج" به معنای "اقامت کردن" (همان: ص ۲۰۷)

"فروز" به معنای "مکر" (همان: ص ۱۱۴)

"مستکن" به معنای "ساکن" (همان: ص ۸۱)

مشدد کردن واژه‌ها: این نکته از ویژگیهای سبک خراسانی است و ناشی از توأم بودن شعر با موسیقی بوده است (سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب: ص 41). شمس قیس رازی این مسئله را زیادت قبیح میدانند (المعجم: ص ۲۶۷). اما در مقاله‌ای تحت عنوان «تلفظ و تقطیع لغات در شعر خراسانی» از امید مجد آمده: «این موارد نقطه ضعف نبوده بلکه کاملاً منطبق و همخوان با نحوه تلفظ لغات در خراسان قدیم است» (ص ۱۴۱) در سلیمان نامه این ویژگی بفرآوانی دیده میشود.

پس آنگاه پرتندگان از هوا
همی جوق جوق آمدند از هوا

(سلیمان نامه: ص ۵)

مخفف کردن واژه‌ها: واژه «گسی» بجای «گسیل» (همان: ص ۲۹۷) واژه «زمی» بجای «زمین» (همان: ص ۵۷ و ۳۳۱). این مورد نیز از ویژگیهای سبک خراسانی است. بنا به گفته مجد در همان مقاله واژه «زمی» هنوز در نیشابور رواج دارد و واژه «گسی» امروزه در نیشابور رواج ندارد، اما فردوسی نیز در شاهنامه این واژه را بکار میبرد و شاعر بزرگی چون او با وزن و قافیه بیگانه نیست.

غلطهای املائی: گاهی در متن غلطهای املائی دیده میشود:

"بهار" بجای "بحار" (همان: ص ۱۸)

حاضر بجای حاضر (همان: ص ۴۴)

ویژگیهای فکری

اندیشه‌های فلسفی: هرچند سلیمان نامه یک مثنوی حماسی است، اما گاهی اشارات فلسفی نیز در آن دیده میشود.

جبرگرایی: تقدیرگرایی از اندیشه‌هایی است که پیش از اسلام در ایران مطرح بوده است و در اندیشه‌های زروانی مشخصاً دیده می‌شود. «این اعتقاد به تقدیر که با دین زردشتی مقبول عموم بیگانه است، نفوذ نسبتاً زیادی در افکار ایرانی برجای گذاشته است. این اعتقاد نه تنها در بعضی نوشته‌های زردشتیان راه یافت، بلکه در بعضی قطعات حماسه بزرگ ایران شاهنامه نیز دیده می‌شود» (شناخت اساطیر ایران، هینلز: ص ۱۱۹). شاعر این مثنوی در ضمن داستانها همچون فردوسی به محتوم بودن تقدیر اشاره میکند (سلیمان‌نامه: ص ۲۷۸).

بی‌اعتباری و بی‌ثباتی دنیا: بی‌اعتباری جهان از مواردی است که شاعر، مخاطب را بدان متوجه می‌سازد.

شهران جهان را به تأدیب و پند	همین داستان بس بود سودمند
کزو بیشتر خود نخواهند دید	بدو نیز خود کس نخواهد رسید
چو بر وی نماند این نماند به کس	نبایند بپیمود باز از هوس

(همان: ص ۱۲۶)

ناگزیری مرگ: ناگزیری مرگ از دیگر اندیشه‌هایی است که در این کتاب حضوری پررنگ دارد.

یکی ژرف دریاست گویی اجل	که از حکم و از قدرت لم یزل
سفینه فکنده در او آدمی	گرازان ز هر سوی با خرمی
ز ناگه که موج اندر آید ز جای	ریایند سفینه به حکم خدای
نه کس را ازین بحر باشد گزیر	نه کس باشد از موج او دستگیر
نه زین ژرف دریا کسی بر کنار	رسد گرچه ماند بسی روزگار

(همان: ص ۱۹۵)

اندرزگویی: راوی داستانهای سلیمان‌نامه گاهی در ضمن یا پایان داستان بعنوان اندرزگو وارد صحنه می‌شود و مخاطب را متوجه نکته اخلاقی داستان می‌کند. یوسف معلم بطور کلی انگیزه به نظم کشیدن این داستانها را اندیشیدن میداند و بر این باور است که چون مردم به سخن خردمندانه و شنیدن داستانهای کهن رغبتی ندارند، میبایست با نیرنگ و حیل و سخنان و داستانها را رنگ و نگار داد؛ باشد که بکار آید و شنونده را به اندیشه وادارد (همان: ص ۲۴۲).

توکل به خدای یگانه: توکل به خدا از جمله بنمایه‌های مورد توجه شاعر منظومه است که خواننده را به آن متوجه می‌سازد.

کسی کاو خدا را بود بی‌گمان	خداپیش بود یار در هر غمان
----------------------------	---------------------------

(همان: ص ۱۰۳)

عبادت با حضور قلب: یوسف معلم به عبادت و انجام تکالیف شرعی پایبند است و حضور قلب را شرط اصلی نماز و روزه میداند.

من آن روزه را کی پذیرم نخست	که نبود بجز با دل و رای سست
نمازی که باشد تن اندر نماز	دل اندر طرب کرده با دیو، ساز
به عجب و به کبر و به گردن‌کشی	تن اندر نماز و دل اندر خوشی
چگونه پذیرم نمازی چنین	که آن نیست بر جاده شرع و دین

(همان: ص ۲۶۹)

پرهیز از حرص (همان: ص ۲۴۲)

کنون ما ازیشان کجا بهتریم	کجا از کف این جهان جان بریم
---------------------------	-----------------------------

چه چیز است این حرص و آویختن
چه کردند آخر همان قوم، سود
وزین گونه گون فتنه انگیختن
که ما را همان سود خواهد فزود
(همان: ص ۲۴۲)

عبرت آموختن از کار جهان

بیایند تا در جهان بنگریم
بینیم چیزی کجا دیگران
به عالم بسی عبرت و علم هست
ز راز نهانش مگر ره بریم
همه عاجز و قاصرند اندر آن
ولی ما نهادیم بر چشم دست
(همان: ص ۲۴۱)

ویژگیهای ادبی

ویژگیهای مربوط به وزن و قافیه

منظومه سلیمان نامه بر وزن "فعولن فعولن فعل" بحر متقارب مثنی محذوف سروده شده که وزن شاهنامه و اکثر متون حماسی است. شاعر در مواردی جهت بدست آوردن وزن موردنظر تغییرات نادرستی را در واژه ها ایجاد میکند.

"عُجَب" با ضم "ع" و سکون جیم بجای "عَجَب" با فتحتین (همان: ص ۳۲۱).

عُجَب: خویشتن بینی، کبر، گردنکشی (دهخدا، واژه عُجَب) / عَجَب: کار شگفت، بشگفتی آمدن از کسی.

کُتَب با سکون "ت" بجای ضم "ت" (همان: ص ۲۷۲)

مواردی نیز دیده میشود که بیت یا مصراع را با اشکال وزنی رها کرده است.

بگو ای یوسف تو به صدق و به دین
صلوا الله علیه اجمعین
(همان: ص ۳۳۴)

البته با توجه به طولانی بودن منظومه بنظر نمیرسد که ناظم با علم وزن و قافیه بیگانه بوده باشد. این اشکالات وزنی را شاید بتوان در یک منظومه هشت هزاربیتی تا حدودی توجیه کرد.

در برخی موارد نیز در ابیات اشکالات مربوط به قافیه دیده میشود، از جمله:

عدم رعایت قافیه قبل از ردیف:

همی بر ره داد و دین میروذ
که دولت خود اندر پیش میروذ
(همان: ص ۱۴)

عدم رعایت حرف روی:

بگویم که راه حق اولیتر است
ز دنیا ره آخرت بهتر است
(همان: ص ۷۶)

برخی موارد نیز جهت هماهنگی قافیه، شیوه سبک خراسانی و تلفظ واژه به همان صورت محلی را بکار میبرد.
گرفت با ضم راء:

وز آب عرق شیشه پر کرد و گُفت
که اکنون نشاید بهانه گرفت
(همان: ص ۶۹)

بماند از بزرگی او در شگفت
وز آن قد و قامت تحیر گرفت
(همان: ص ۳۲۴)

- "بلند" با ضم لام بجای "بلند" با فتح لام:

همی موج زد بر سپهر بلند
بجوشید دریا از آن باد تُند
(همان: ص ۱۹)

آرایه‌های ادبی

مثنوی سلیمان‌نامه منظومه‌ای معنی‌گراست و آرایه‌های ادبی در آن پررنگ نیستند، اما برخی آرایه‌ها از جمله تشبیه و استعاره در ضمن داستانها بوفور دیده میشود. تشبیهات حماسی موقعیتی خاص در کلام او دارد. تشبیه: در مثنوی سلیمان‌نامه در توصیف حماسی برآمدن روز و شب این آرایه ادبی بفرآوانی مورد استفاده قرار میگیرد.

چنان تا درآمد دگر وقت شام که بر چرخ چون خیمه بی‌طناب	طلایه رسید از شب تیره‌فام یکی پره بستند چو پرغراب (همان: ص ۱۹۸)
گه بر چرخ چون خیمه بی‌طناب شب و روز درهم به وقت سحر	عروس فلک شد دریده نقاب بیامیخت چون هندوی پیرسر (همان: ص ۲۳۴)

غالب تشبیهات این منظومه، از نوع مجمل و مفصل است و گاهی نیز انواع دیگر دیده میشود:
تشبیه بلیغ

ز بعد چهل روز صبرش رسید چو اندر دلش شاخ اندیشه رست	به دلش اندرون آتش غم دمید به دل گفت اکنون چه دانم درست (همان: ص ۱۹۳۶)
---	---

تشبیه ملفوف:

گل و لاله و نرگس سیر آب چنان خوب جایی که باغ بهشت	چو چشم و رخ دوستان بینقاب خوشیهای خویش در آنجا سرشت (همان: ص ۳۸)
--	--

تشبیه مضمّر

بیفتاد بر دست و پای نبی شکوفه شکفتی در او گونه‌گون	چو بر دست و پای معلم، صبی چو سیاره بر گنبد نیلگون (همان: ص ۱۵۵)
---	---

تشبیه مرکب

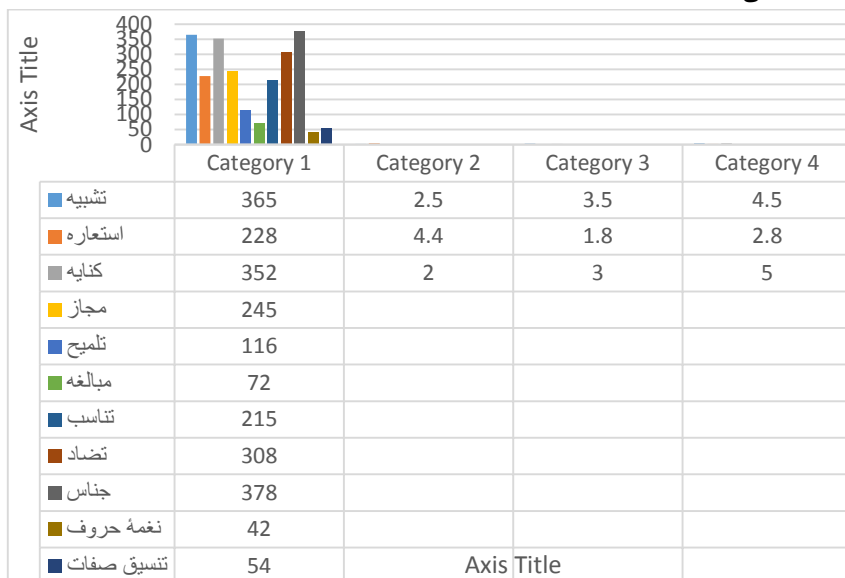
دو رخسار او از نکویی و تاب ببرده بد آب از مه و آفتاب	تشبیه تفضیل
---	-------------

(همان: ص ۴۹۱)

ز ماهی برون کرد انگشتری	فروزانتسر از زهره و مشتری (همان: ص ۲۳۵)
استعاره: استعاره نیز در منظومه مورد استفاده قرار میگیرد، اما به نسبت تشبیه کاربرد کمتری دارد.	ستاره بیامد به گردون پدید (همان: ص ۲۲۳)
چو روز دگر صبح بنمود تاج	بگسترد بر چرخ چینی دواج
ز زر کرد بر روی گردون طللی	ز خور داد روی جهان را جلی
بساطی بگسترد عالم ز نور	گلیم شب از خویشتن کرد دور (همان: ص ۲۱۷)
چو آمد به عالم شب تیره فام	پر از قیر شد روی گردون تمام (همان: ص ۵۶۱۴)
کنایه: در منظومه، کنایه با ساختار جدید دیده نمیشود، اما کنایههایی که دیگران نیز بوفور استفاده کردهاند در کلام شاعر مشهود است.	
باد به دست داشتن، کنایه از بی بهره و بی نصیب بودن (فرهنگ کنایات سخن، انوری، ج ۱: ص ۸۵).	
تو حکم خدا را ندانی شکست	وزین گفتهها باذ داری به دست (سلیمان نامه: ص ۱۲)
کمر بستن، کنایه از آماده شدن است (دهخدا، مدخل کمر بستن)	
وز آنجا زی شاه مشرق خبر	بببرد و بفرمود بستن کمر (سلیمان نامه: ص ۳۷)
باد در سبالت افکندن کنایه از تکبر و غرور و لاف زدن است. (لغتنامه، دهخدا، مدخل باد در سبالت افکندن)؛ باد در بروت انداختن کنایه از غرور و نخوت از خود نشان دادن (فرهنگ سخن، انوری، مدخل باد در بروت انداختن).	
به سبالت در افکنده بوذیم باذ	همی آمذیم اندرین راه شاذ (سلیمان نامه: ص ۶۳)
مجاز: استعمال مجاز در سلیمان نامه چندان چشمگیر نیست و نادر است.	
نان مجاز از غذا:	
هر آنکه که بذ وقت نان خوردنش	همه رای و ترتیب خوان خوردنش (همان: ص ۹)
آب مجاز از دریا:	
همیرفت یک هفته راه اندر آب	گهی با درنگ و گهی با شتاب (همان: ص ۱۸)
تلمیح: از بین آرایه های بدیع معنوی، تلمیح به آیات قرآن و حدیث بیشتر از دیگر آرایه ها وجود دارد؛ زیرا که ارتباط مستقیم با قرآن دارد.	
تو آورده ای عالم از کاف و نون	که از مرده زنده تو آری برون (همان: ص ۱۶۶)
برگرفته از آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲).	

تو آری به قدرت ز ناچیز چیز	تو داری ذلیل و تو داری عزیز (سلیمان‌نامه: ص ۱۶۶)
برگرفته از آیه «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (آل عمران: ۲۶).	مبالغه
چنان باد کز بیخ برکند کوه	زمین گشت از قوت او ستوه (سلیمان‌نامه: ص ۴۰۵)
چنان زار بگریست از درد دل	که از آب چشمش زمین گشت گل (همان: ص ۱۹۴۳)
مراعات‌النظیر (تناسب)	
به سرما و گرما و باران و آب	به برف و تگرگ و به سیل و عذاب (همان: ص ۴۳۹۹)
گزیذ آنگهی از ددان دلیبر	ز خرس و پلنگ و ز گرگ و ز شیر (همان: ص ۳۱۱)
تضاد	
نشسته چپ و راست وز پیش و پس	ز هر جانور آنچه بوذند کس (همان: ص ۴۴)
به رنج و به راحت به خیر و به شر	برند انبیا با خلاق به سر (همان: ص ۶۶۷۴)
تنسیق الصفات:	
یکی چشم، صد رو از وی روان	خروشان و مویان و زاری‌کنان (همان: ص ۲۸)
یکی قوم بیرحم و بی‌زینهار	بداندیش و خونریز و ناپاک دار (همان: ص ۶۶۴۹)
جناس: بنظر میرسد ناظم توجه خاصی به این آرایه داشته است و البته بسیاری از موارد، جناس در قافیه است.	بیاراست آن قصر را چون بهشت که از نیکویی هیچ بانی نهشت (همان: ص ۳۰۲)
به ملک و جوانی و داد و دهش	ز تو عمر چندانکه خواهی دهش (همان: ص ۴)
واچ‌آرایی	"دهش" در مصراع اول به معنای "بخشش" (مصدر) در مصراع دوم فعل امر به اضافه ضمیر مفعولی "ش".
یکی تاج دیگر بیاراسته	به پرمایه پیرایه پیراسته (همان: ص ۱۵۵)
پس از مدتی ز اتفاق قضا	چنین کرد حکم قضا اقتضا (همان: ص ۷۹۵۵)
مرا درد او در دل و در جگر	فرورفته چون تیر ره‌راب پر (همان: ص ۳۳۷۹)

نمودار آرایه‌های ادبی نسخه:



نتیجه‌گیری

نسخه خطی سلیمان نامه از "یوسف بن سراج" ملقب به "معلم" مربوط به قرن هشتم هجری، مثنوی حماسی - تعلیمی است که در بحر متقارب مثنی محذوف سروده شده است و داستانهایی از پیامبران بنی‌اسرائیل را بیان میدارد. شاعر در نظم این داستانها از تشخیص سبکی خاصی برخوردار نیست، اما نمونه‌های سبک خراسانی در این منظومه مشهود است. در این مثنوی برای اولین بار داستانهای انبیای بنی‌اسرائیل به نظم کشیده شده است. داستانهایی که تا کنون در کتب تفاسیر قرآن، قصص‌الانبیا، تواریخ و داستانهای پیامبران تورات بطور پراکنده دیده میشود و بسیاری از آنها برای خوانندگان مسلمان ناآشناست. در منظومه سخن از شهری که شاعر در آن زندگی میکرد، نیامده و از متن داستان، مکان سرودن منظومه را نمیتوان یافت، اما کاربرد برخی واژه‌ها بیانگر لهجه خاص منطقه است؛ آنچنانکه در نیشابور اینگونه محاورات رایج است. از جمله "گرفت" با ضم "گ" یا "بستخت" بجای "بسوخت" و جهت یافتن منطقه سرایش منظومه میتواند راهنمای خوبی باشد. وجود واژه‌های مشدد و مخفف و تغییر مصوتها نیز صرفاً جهت برقراری وزن ابیات نیست، بلکه با توجه به قرائن موجود، ویژگی سبکی و کاربرد لهجه خاص منطقه‌ای است که شاعر در آنجا میزیسته و شاعر تبحر کافی در رعایت وزن دارد، و در برخی نقاط جنوبی کشور همچنین در نیشابور، این واژه‌ها در محاوره بدینگونه تلفظ میشوند. در ارتباط با ویژگیهای سبکی و واژگانی متن نیز باید گفت که تمام ویژگیهای ذکرشده باستانهای دو مورد ازجمله استعمال افعال "دانستمانی"، "آوردمانی" و رعایت قاعده دال و ذال که به قرن ششم و هفتم مربوط میشود، یادآور سبک متون قرن چهارم و پنجم بویژه شاهنامه است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان استخراج شده است. آقای دکتر حبیب جدیدالاسلامی راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته

و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم نادیا سامانی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر بهروز رومیانی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Anterman, Allen (2006), *Jewish Beliefs and Mirrors*, translated by Reza Farzin. Qom: Center for the Study and Research of Religions and Religions.
- Anvari, Hassan (2004), *Farhang-e-Konayat-e-Sokhan*, Volume One, Tehran: Sokhan.
- Dekhoda, Ali Akbar (1383), *Dictionary*, Tehran: University of Tehran.
- Ferdowsi, Abolghasem (2013), *Shahnameh, Critical Text*, Moscow Press, by Saeed Hamidian, Volume One to Nine, Tehran: Ghatreh.
- Framerz, Bin Khadad, Bin Abdullah, Al-Katib Al-Arjani. (1977), *Samak Ayyar*, Vol. 1, edited by Parviz Natel Khanlari, Tehran: Iranian Culture Foundation.
- Hinels, John (1992), *Understanding Iranian Mythology*, translated by Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafazli, Tehran: Cheshmeh.
- Ketab-e- Moghaddas (2016), translated by Robert Bruce and Karapet Ohans, Tehran: Ilam.
- Khalaf Tabrizi, Mohammad Hossein (1962), *Borhan Qate*, Tehran: Amirkabir.
- Khanlari, Parviz, (1986), *History of Persian Language*, Volume 2, Tehran: "No" Publication.
- Mahjoub, Mohammad Jafar (Bita), *Khorasani style in Persian poetry*, Tehran: Ferdows.
- Majd, Omid (2007), *Pronunciation and fragmentation of words in Khorasani poetry*, *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tehran, No. 183, pp. 141-154.
- Matini, Jalal (1968), *literary essays*. No. 25. Pages 130 to 162.

- Mayel Heravi, Najib (1990), Critique and Correction of Texts (Stages of Persian Manuscripts and Correction), Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Mayel Heravi, Najib (2000), Date of Manuscript and Correction of Manuscripts, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Meybodi, Rashid al-Din (1978), Kashfat al-Asrar, vols. 8 and 4, by Ali Asghar Hekmat, Tehran: Amirkabir.
- New prophets. (Beta). Bija.
- Razi, Abolfotuh (1951), Tafsir Rawdat al-Jannan, correction and margins of Mehdi Elahi Ghomshei, Volume 5, Tehran: Scientific and Cultural.
- Razi, Shams Ibn Qais (1994), Dictionary in the criteria of non-Ajam poems, by the efforts of Sirus Shamisa, Tehran: Ferdows.
- Stylistics, Spring, Mohammad Taghi (1990), Volume One, Tehran: Amirkabir.
- Suleimannameh (manuscript). Yusuf Moallem, (739 AH)
- The Holy Quran, translated by Mohammad Mehdi Fooladvand. Tehran: Dar al-Quran al-Karim.
- Zarrinkoob, Abdolhossein (1998), Scientific method in critique and correction of literary texts, the mirror of heritage. first year. No. 1, pp. 43-53.

فهرست منابع

- قرآن کریم، با ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
- باورها و آیین‌های یهودی، آنترمن. آلن. (۱۳۸۵). ترجمه رضا فرزین. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- برهان قاطع. خلف تبریزی، محمدحسین. (۱۳۴۱). تهران: امیرکبیر.
- پیامبران نوئیم. (بی‌تا). بی‌جا
- تاریخ زبان فارسی، خانلری، پرویز. (۱۳۶۵). جلد ۲. تهران: نشر نو.
- تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح نسخه‌های خطی، مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۹). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تحول رسم الخط فارسی از قرن ششم تا قرن سیزدهم هجری. متینی، جلال. (۱۳۴۷) جستارهای ادبی. شماره ۲۵. صص ۱۳۰ تا ۱۶۲.
- تفسیر روض الجنان، رازی، ابوالفتوح (۱۳۳۰) تصحیح و حواشی مهدی الهی قمشه‌ای، جلد ۵. تهران: علمی و فرهنگی.
- تلفظ و تقطیع لغات در شعر خراسانی، مجد، امید (۱۳۸۶) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۱۸۳، صص ۱۴۱ - ۱۵۴.
- روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی، زرین کوب. عبدالحسین. (۱۳۷۷). آیینۀ میراث. سال اول. شماره ۱، صص: ۴۳-۵۳.
- سبک خراسانی در شعر فارسی، محجوب، محمدجعفر. (بی‌تا). تهران: فردوس.
- سبک‌شناسی، بهار، محمد تقی. (۱۳۶۹). جلد اول، تهران: امیرکبیر.

سلیمان‌نامه (نسخه خطی). یوسف معلم، (۷۳۹ ه.ق)
سمک عیار. فرامرز بن خدادین عبدالله الکاتب الارجانی. (۱۳۵۶) جلد ۱. به تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران:
بنیاد فرهنگ ایران.
شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۲). متن انتقادی. چاپ مسکو. به کوشش سعید حمیدیان. جلد یک تا نه.
تهران: قطره.
شناخت اساطیر ایران، هینلز، جان (۱۳۷۱) ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.
فرهنگ کنایات سخن، انوری. حسن. (۱۳۸۳) جلد یک. تهران: سخن.
کتاب مقدس. (۲۰۱۶). ترجمه رابرت بروس و کاراپت اوہانس. تهران: ایلام.
کشف الاسرار، میبدی، رشیدالدین (۱۳۵۷). جلد ۸ و ۴. به اهتمام علی‌اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
لغت‌نامه، دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۳) تهران: دانشگاه تهران.
المعجم فی معاییر اشعارالعجم. رازی، شمس‌بن قیس. (۱۳۷۳). به کوشش سیروس شمیسا. تهران: فردوس.
نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه‌شناسی و تصحیح نسخه‌های خطی فارسی). مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)
مشهد: آستان قدس رضوی.

معرفی نویسندگان

لیلا سیاحتگر: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.
(Email: l.siyahatgar@iauf.ac.ir)
فرزانه مظفریان: استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.
(Email: f.mozafarian@iauf.ac.ir نویسنده مسئول)
احمد طحان: استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران.
(Email: a.tahan@iauf.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Leila Siyahatgar: PhD student in Persian language and literature, Firoozabad branch, Islamic Azad University, Firoozabad, Iran.
(Email: l.siyahatgar@iauf.ac.ir)
Farzaneh Mozafarian: Assistant Professor of Persian Language and Literature, Firoozabad Branch, Islamic Azad University, Firoozabad, Iran.
(Email: f.mozafarian@iauf.ac.ir Responsible author)
Ahmad Tahan: Assistant Professor of Persian Language and Literature, Firoozabad Branch, Islamic Azad University, Firoozabad, Iran.
(Email: a.tahan@iauf.ac.ir)